

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاخْلُلْ عُقْدَةً

مِنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کنه!

او زما امر (درسالت) راته آسان کنه! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نسه) وپوهیږي"

مارچ 2020

جمادی الثانی

شماره دو صد هفتاد

پروفیسور داکتر عبدالستار سیرت

فلسطین و قدس و مسجد اقصی

لاخره رومن ها در سال (70) میلادی بر آن هجوم بردند. مهم اینست که در هر یک از این برخوردها اهالی عرب قدس از آن دفاع نموده و مهاجمین را بیرون رانده اند و صبغه عربی این سرزمین را حفظ کرده اند؛ تا آنکه در قرن ششم میلادی دوره فتح اسلامی فرا می رسد و خلیفه دوم اسلام حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) شخصا شهر قدس را از (صفرونیوس) پتربارک قدس تسلیم می شود و حکم اسلامی در قدس الی قرن ششم هجری دوام می کند و در طول این صد ها سال حکم اسلامی اتباع تمام ادیان سماوی از آزادی کامل اجرای شعائر دینی شان مانند مسلمان ها برخوردار بودند و فلسطین و قدس بحیث مرکز دلهای مؤمنین و قبله و مزار پیروان سائر ادیان، و سرزمین آشتی و صلح و تفاهم و تعاون شناخته شده بود. تا آنکه حملات صلیبی صادر شده از اروپا استقرار فلسطین و قدس را برهم می زند و تسلط نصرانی در بیت المقدس قائم می گردد و سپس فلسطین و قدس توسط صلاح الدین ایوبی با قربانی ده ها هزار مسلمان در معركة حطین (583 هجری) دوباره فتح می شود و حکم اسلامی مجدداً اعاده می گردد. از سال های 1516 الی 1917 سرزمین قدس و فلسطین متوالیاً تابع امپراطوری عثمانی بود و پیروان هر سه دیانت آسمانی در سایه

وثایق تاریخی ثابت می کند که فلسطین و قدس تاریخ بیش از 6 هزار ساله دارد و نام فلسطین و قدس رمز قدسیت و عقیده دینی برای ادیان سماوی است. و دلهای اتباع تمام ادیان سماوی بسته و وابسته به این سمبول قداست بوده به حکم موقعیت استراتیجیک و احتوای عناصر مهم تمدن بشری انظار و اطماع اقوام و طوایف مختلف دیگر نیز متوجه این منطقه بوده است. در نخستین مراحل تاریخ این منطقه که حدود سه هزار و پنجصد سال قبل از میلاد می شود، کنعانی ها و بیبوسی ها از سلاله عربی در این سرزمین اقامت داشتند. چنانکه اشاره به آنها در قرآن کریم و ذکرشان در احادیث مبارک نبوی - صلی الله علیه و سلم - وارد شده است. از اینرو فلسطین و قدس برای عرب و مسلمان ها تاریخ حیات و تاریخ دیانت شانرا تشکیل می نماید. بعد از کنعانی ها و بیبوسی ها، (عبرانی ها) که یک سلاله یهودی است در قرن دوازدهم قبل از میلاد وارد این سرزمین شدند و در حدود هفتاد سال آنرا در تحت اداره خود داشتند.

بعد از عبرانیها دولت فارس در سال (576) قبل از میلاد بران هجوم آورد و اسکندر کبیر مقدونی در سال (332) قبل از میلاد با قوای بزرگ خود در آن داخل شد و با

قدس /

شهداء سرزمین خون و آتش، خصوصیات کشور مظلوم افغانستان را تشکیل می‌دهد."

فلسطین و قدس برای ملت فلسطین یک قضیه ملی و حیاتی است. کشور های عربی مجاور و سائر کشور های عضو جامعه دول عربی قضیه فلسطین را یک قضیه اساسی عربی در رأس قضایای ملی و بین المللی خود تشخیص داده اند. اگرچه صد ها فیصله، مجلس و کنفرانس و مذاکرات در رابطه با این قضیه در سطوح مختلف صورت گرفته است، ولی متأسفانه هیچکدام بدرد ملت فلسطین که حق دارد و لی زور ندارد نخورده است. دولت اسرائیل یگانه دولت فوق قانون با منطق زور و حمایت بیچون و چرا از خارج، هرچه خواسته باشد میتواند عملی کند. این دولت حق دارد بزرگترین قوه اتمی را در منطقه داشته باشد در حالیکه هیچیک از کشور های منطقه دارای چنین حقی نمیشوند.

هرگاه نظام های سیاسی در منطقه بحکم تبعیت در برابر قدرت های بزرگ و یا هراس از دست دادن کرسی ها نتوانند جلو ظلم و تجاوز بر حقوق ملی فلسطین را بگیرند جلو بروز حرکت های مقاومت ملی و واکنش های خشونت بار عناصر عقده مند افراطی را نیز گرفته نمی توانند.

مسجد مبارک اقصی :

قضیه سیاسی فلسطین به ارتباط تشکیل دولت مستقل و تأمین صلح میان اسرائیل و فلسطین بنام قضیه سیاسی شرق میانه بیشتر از نیم قرن به اینطرف در حلقه های سیاسی جهان در شرق و غرب و مجامع عمومی و شورای امنیت مؤسسه ملل متحد به سویه های مختلف بحث می شود. این مراجع گاهی قضیه را از دیدگاه محلی و در چوکات فلسطین و اسرائیل می بینند، و زمانی آنرا در چارچوب کشور های مجاور عربی و گاهی هم بحیث قضیه عربی در سطح جهان عرب تلقی می نمایند. مطلب بزرگی که اساس قضیه را از نظر اسلامی تشکیل می نماید موضوع (مسجد مبارک اقصی) است. به خاطر همین مسجد مبارک است که شهر قدس وصف قداست مییابد و مسجد اقصی با مسجد الحرام و کعبه مشرفه که

حکم اسلامی در امن و آرامی و آزادی زیست داشته و ورود اتباع این دیانات را از هر نقطه جهان به منظور ادای مناسک دینی و شرفیابی به زیارت اماکن مقدس شان استقبال می نمودند.

بعد از جنگ جهانی دوم هجرت یهود از نقاط مختلف جهان به فلسطین افزایش یافت و هنگامیکه وجود شانرا در سایه حمایت بریطانیه تقویه نمودند، دولت اسرائیل را در (1948) مطابق وعده (بلفور) وزیر خارجه بریطانیه اعلان کردند.

از چهاردهم می 1948 الی چهاردهم می 2010 شصت و دو سال میگذرد و جلب و جذب و اسکان یهود از تمام جهان و ضرب و قتل و اخراج مسلمان ها و اهل فلسطین از خانه و کاشانه و وطن شان پیوسته ادامه دارد. نه حقوق تاریخی و نه ملکیت جغرافی و نه کرامت انسانی کمترین ارزشی در نظر این حکومت ندارد. ملت فلسطین در تمام جهان یگانه ملتی خواهد بود که دو نسل کامل آن در کمپ های پناهندگی و در عذاب و محرومیت و آوارگی در خارج از سرزمین آبابی شان بسر می برند. و تا هنوز که قرن 21 است و نغمه های فریبنده آزادی و حقوق بشر از هر طرف شنیده می شود، 6 میلیون فلسطینی در خارج از کشور شان و بیشتر در چهار کشور عربی مجاور (اردن، سوریه، مصر، لبنان) زندگی دارند و حق عودت به کشور شانرا نیز ندارند و آن قسمتی که در داخل فلسطین در محاصره بسر می برند نه بخارج راه دارند و در دو جزء از هم جدای فلسطین (غزه و کناره غربی) امکان تردد آزادانه دارند و آنچه که در زندگی عادی روزمره به آن سر و کار دارند، جمع آوری پارچه های اعضای متلاشی شده زنان و مردان و اطفال فلسطین از میان توده های خاک و خشت و سنگ منازل منهدم شده از اثر بمباردمان ها و راکت های اسرائیلی است و هیچ روزی در سرزمین اشغالی فلسطین وجود ندارد که دران فریاد مادران و پدران و یتیمان فلسطین در عقب کاروان های شهدای فلسطین در فضایی از اشک و خون و آتش درهم نه پیچد.

یگانه مثال یک ملت مظلوم و محروم بعد از فلسطین فقط ملت مسلمان و مجاهد افغانستان است، که متأسفانه امروز بزرگترین تعداد آواره و مهاجر، جنگ و اشغال و سی ساله، فقدان ثبات و امنیت، فساد اداری و دولتی، قافله های

قدس /

مقدس ترین مقدسات جهان اسلام است پیوند مستقیم دارد. بنای هر دو مسجد در آغاز از طریق وحی به امر پروردگار به عمل آمده و سپس کعبه مشرفه را حضرت ابراهیم خلیل الله با پسر شان حضرت اسماعیل -علیهما السلام- باز هم به امر خداوند بنا نمودند و به فاصله 40 سال بعد از بنای کعبه مشرفه و مسجد الحرام مطابق حدیث متفق علیه، حضرت یعقوب -علیه السلام- مسجد اقصی را بنا نهاد و سپس بنای آن توسط حضرت سلیمان بن داود -علیهما السلام- تجدید گردید.

در دوره اسلامی معجزة اسراء و معراج، هر دو مسجد مقدس را بهم وصل نمود و حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) در اسراء از مسجد الحرام به مسجد اقصی برده شدند و در معراج از مسجد اقصی به ما فوق آسمانها تا سدره المنتهی عروج یافتند، و ذکر این معجزه و تقدیر بزرگ الهی از مقام والای خاتم انبیا محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) با ذکر نام مسجد الحرام و مسجد اقصی در سوره (اسراء) و در سوره (والنجم) در قرآن کریم وارد شده است. مسجد اقصی تا سال دوم هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) قبله اول مسلمان ها بود و سپس به امر خداوند (عز و جل) کعبه مشرفه و مسجد الحرام به حیث قبله دائمی مسلمان ها انتخاب گردید. مقدس ترین مقدسات اسلامی به استناد نصوص قرآن کریم و احادیث مبارک نبوی عبارت اند از:

مسجد الحرام که کعبه مشرفه در قلب آن واقع است، مسجد مبارک نبوی در مدینه منوره و مسجد اقصی در بیت المقدس. ثواب نماز و دیگر اعمال خیر در حرم مبارک مسجد الحرام صد هزار مرتبه و در مسجد مبارک نبوی یک هزار مرتبه و در مسجد اقصی پنجمصد مرتبه بیشتر از دیگر اماکن است و هیچ مقام دیگر از لحاظ قداست و عظمت در ردیف این سه مسجد ذکر نشده است. دوره های متعدد فتح و اداره اسلامی، و داخل شدن شخص حضرت عمر فاروق -رضی الله عنه- در بیت المقدس و تسلیم شدن زمام اداره آن به ارزش اسلامی قدس و مسجد اقصی می افزاید.

وجود مقدسات ادیان سماوی دیگر در بیت المقدس قلوب اتباع دیگر دیانت ها را نیز به سوی قدس می کشاند، و اسلام و نظام اسلامی به آن احترام می گذارد و اجازه نمی

دهد هیچ طرفی به مقدسات جانب دیگر تجاوز نماید، چنانکه تجاوز به مسجد اقصی را به هیچ صورتی تحمل نخواهد کرد.

در تاریخ معاصر وقایع بیت المقدس در سال (1969) حریقی در مسجد اقصی واقع شد، و البته آن یگانه مثال سوء قصد به مسجد اقصی نبود و نیست، اما زعمای دولت های اسلامی برای بار اول تکانی احساس کردند و قضیه مسجد اقصی از انحصار دائره اهتمام کشور های عربی بیرون شد و زعمای عرب مخصوصاً شاه فیصل بن عبدالعزیز پادشاه فقید عربستان سعودی، و شاه حسن دوم پادشاه فقید المغرب به عوض جامعه دول عربی نخستین کنفرانس سران کشور های اسلامی را دعوت کردند. این کنفرانس در (1969) در رباط مرکز المغرب دائر شد و بعد از آن تا حال در هر سه سال یکبار کنفرانس سران کشور های اسلامی و در هر یکسال کنفرانس وزرای خارجه کشور های اسلامی جهت مطالعه اوضاع و قضایای جهان اسلام دائر میگردد و سازمان کنفرانس کشور های اسلامی (او. آی. سی) به تصمیم اولین کنفرانس سران در رباط و به وسیله اولین کنفرانس وزرای خارجه کشور های اسلامی در (1970) در جده تاسیس گردید (هیئت افغانستان در تاسیس این سازمان نقش مؤثر و اساسی داشت و رئیس هیئت افغانی در کنفرانس سران مرحوم نور احمد اعتمادی صدر اعظم وقت و رئیس هیئت افغانی در کنفرانس اول و دوم وزرای خارجه کشور های اسلامی عبدالستار سیرت وزیر عدلیه وقت بود).

سازمان کنفرانس اسلامی بخاطر ضعف سیاسی دولت های اسلامی در طول چهل سال عمر خود در حل قضایا و مسایل سیاسی جهان اسلام به شمول قضیه اساسی آن (فلسطین) موفقیت قابل ذکری ندارد. اما در سطح اقتصادی و فرهنگی خدماتی را انجام داده است. بانک توسعه اسلامی که مرکز آن در جده است کمک های اقتصادی مهمی به کشور های اسلامی انجام داده و مؤسسات تعلیمی و ثقافتی و مراکز تحقیقات علمی در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی شامل فعالیت گردیده اند.

قدسی /

قضیه فلسطین بصورت کل و مسجد مبارک اقصی بصورت خاص به مرحله نهایت خطیر و قابل نگرانی شدید رسیده است. مواضع ضعیف و ذلیل حکومت های عربی، تفرقه و نفاق در داخل فلسطین، جرئت و جسارت فوق قانون و فشار و کشتار بیرحمانه و توسعه اشغال و احتلال از جانب اسرائیل، سیاست های جانب دارانه و غیر عادلانه از طرف قدرت های بزرگ، ناتوانی مؤسسه ملل متحد و غیره بالاخره قضیه را به جانبی سوق خواهد داد که برگشت از آن ناممکن و عواقب آن برای هر طرف فاجعه بار خواهد بود.

شواهد فراوان نشان میدهد که دسائس استعماری به ضد مسجد اقصی به اشکال مختلفه آن در جریان است. امروز حفریاتی را به بهانه های متعدد در محیط حرم مبارک مسجد اقصی به راه انداخته اند که وجود و هستی مسجد اقصی را هدف قرار داده است. اگر روزی خدای نخواست این مسجد سقوط کند و منهدم گردد در آنصورت حجم فاجعه به حدی خواهد بود که نه فقط کشور های اسلامی بل نظام عمومی جهانی هم از خطر آن در امان نخواهد ماند.

دکتور یوسف القرضاوی**القدس**

قدس در اعتقاد مسلمانان مقام دینی عالی دارد و مسلمانان به هر مذهب و طائفه و فکر که هستند به قدسیت قدس معتقد اند و دفاع از قدس را واجب دینی می دانند.

عربها و مسلمانها و فلسطینی ها در قضیه صلح با اسرائیل اختلاف نظر دارند ، آیا جواز دارد ؟ اگر جواز دارد ، آیا کامیاب میشود یا نمیشود ؟ اما در عربی بودن و اسلامی بودن قدس و بقاء آن بدست عرب ها و مسلمانان و در مقاومت علیه اسرائیل هیچ اختلاف بین مسلمانان نیست .

قدسیت قدس به دلائل مختلف است ، قبله اول ، زمین اسراء و معراج و سومین شهر معظم ، سرزمین نبوت ها و برکات و سرزمین جهاد و حمایت است .

نزد مسلمانان از نظر دینی قدس قبله اول است و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و صحابه از روزیکه نماز در شب اسراء و معراج در سال دهم بعثت محمدی ، سه سال قبل از هجرت فرض شد

مسلمانان بطرف بیت المقدس نماز می خواندند و بعد از هجرت به مدینه منوره ، در آنجا 16 ماه مسلمانان بسوی قدس نماز اداء کردند تا اینکه خداوند در قرآن کریم مسلمانان را امر فرمود تا به سوی کعبه، مسجد حرام نماز بخوانند . (و من حیث خرجت فول و جهک شطر المسجد الحرام و حیثما کنتم فولوا و جوهکم شطره) (البقره: 150) . و از هر کجا بیرون روی بطرف مسجد الحرام روی آور و هر کجا که بودید روی بدان جانب کنید.

یهود مدینه در مورد تغییر قبله پروپاگند کردند و گفتند: نماز مسلمانان تا این وقت بطرف قبله صحیح نبود . قرآن کریم به تبلیغات یهود اینطور جواب داد: (و ما جعلنا القبلة التي كنت علیها إلا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب علی عقبیه ، و إن كانت لكبيرة إلا علی الذین هدی الله ، و ما كان الله لیضیع ایمانکم) (البقره: 143) . و مقرر نکرده ایم قبله را که بران بودی مگر برای اینکه بیازمائیم آنها که از پیغمبر خدا پیروی می کند از آنکه به مخالفت وی می پردازد ، و بی شک که این امر (تحویل قبله) امر بزرگ است مگر بر آنانکه هدایت یافتگان خداوند باشند و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان (با ادای نماز به هر سو که باشد) ضایع نمی سازد ، به تحقیق خداوند به مردم بخشاینده مهربان است.

قدسی سرزمین اسراء و معراج :

خداوند جل جلاله نهایت سفر زمینی اسراء را قدس و آغاز سفر معراج را نیز قدس انتخاب کرد ، اراده خداوند بود تا سفر حضرت محمد در زمین شب مبارک از مکه و از مسجد الحرام آغاز و به مسجد اقصی خاتمه یابد و این امر بی معنی نبود بلکه در آن حکمت الهی نهفته بود ، در قدس رسول اکرم صلی الله علیه وسلم انبیاء و رسل را امامت داد و این اعلان از انتقال زعامت دینی جهان از بنی اسرائیل به امت جدید و رسول جدید و کتاب جدید و امت عالمی و رسول عالمی و کتاب عالمی بود.

قرآن کریم از آغاز سفر در اول سورة الإسراء یاد میکند . خداوند تعالی میفرماید: { سبحان الذی أسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا } (الإسراء: 1) . پاک و منزه است کسی که بنده اش را

عقل در اثبات عقائد از نظر مدرسه معتزله و اشاعره

معتزله

معتزله در عصر اموی نشأت کرد و فکر اسلامی را در تمام عصر عباسی به نظریات خود مشغول ساخت.

در مورد تاریخ ظهور معتزله بین علماء اختلاف نظر است، بعضی باین باور اند که یگ گروه از پیروان علی بن ابی طالب رضی الله عنه از سیاست جدا و بعد از تنازل امام حسن از خلافت به معاویه بن ابی سفیان بطرف عقائد رجوع کردند. زمانیکه امام حسن به معاویه بیعت کرد، اعتزلوا یعنی دوری کردن از معاویه و الحسن و سائر مردم و در خانه ها و مساجد خود باقی و مشغول علم و عبادت شدند.

مؤسس معتزله را (واصل بن عطاء) می دانند. واصل در مجلس علمی الحسن البصری حضور می یافت، مهمترین مسأله که فکر مردم را در آن عصر بخود مشغول ساخته بود مسأله مرتکب کبیره یا مرتکب گناه کبیره بود. واصل در مقابل نظریه الحسن البصری در مورد کبیره قرار گرفت و باین نظریه رسید که مؤمن نیست کسیکه مرتکب کبیره شود. در اثر همین اختلاف مجلس الحسن البصری را ترک کرد و برای خود مجلس دیگری در مسجد اتخاذ نمود.

عده از معتزله مذهب خود را قبل از واصل میدانند و می گویند که در مذهب شان بسیاری از اهل بیت شامل اند و ادعا دارند که امام الحسن البصری نیز یکی از جمله آنها بود.

فکر معتزله چنانکه دکتور احمد امین در کتاب خود بنام (فجر الاسلام) می نویسد بسیار نزدیک به فکر گروهی از یهودان بنام (الفروشیتم) است. معتزله یهود، تورات را به مقتضی منطق فلسفی تفسیر می کردند و معتزله قرآن را نیز به مقتضی فلسفه تفسیر می کردند.

مذهب معتزله :

ابو الحسن الخیاط در کتاب معروف خود (الانتصار) می گوید: هیچک حق گرفتن اسم معتزله را بخود ندارد تا در او پنج صفت نباشد: (توحید و العدل و الوعد و الوعید و امر بالمعروف و نهی از منکر). معتزله بین المنزلیین قرار دارند، اگر این پنج صفت در یک شخص جمع شد معتزله است.

شبی از مسجد الحرام به مسجد الأقصى. که گرداگردش را برکت داده ایم برد، تا برخی از آیات خود را به او بنمایانیم، بی گمان اوست که شنوای بیناست.

آیه مبارکه اوصاف مسجد الحرام و برکات آنرا یاد نکرد بلکه صفات مسجد اقصی را باین معنی { الذی بارکنا حوله } یاد کرد، اگر ما حول یعنی اطراف آن با برکت باشد پس مسجد الاقصی یقیناً با برکت است. آغاز سفر از مسجد الحرام به مسجد الاقصی ارتباط این دو مسجد را نشان میدهد.

قدس سومین شهر معظم است :

شهر اول مکه مکرمه که با وجود مسجد الحرام مشرف گردیده و شهر دوم مدینه منوره که به مسجد نبوی مشرف شده و قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم در آن است، شهر سوم قدس با بیت المقدس است که با وجود مسجد اقصی مبارک شده و خداوند میگوید که اطراف این شهر همه مبارک است.

قدس سرزمین انبیاء و برکات است :

قدس جزء از سرزمین فلسطین است، خداوند این زمین را با برکت یاد کرد.

قدس سرزمین جهاد و رباط است :

قدس نزد مسلمانان سرزمین مقاومت دشمن و جهاد است، ذکر مسجد الاقصی در قرآن کریم و حدیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از فضیلت نماز در آن عبارت از مبشرات خیر برای فتح قدس بدست مسلمانان بود و وعده رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است که قیامت نمیشود تا قدس را مسلمانان فتح نکنند.

فتوای مفتی قدس

مفتی قدس شیخ محمد حسین می گوید: هر که همکاری با معامله قرن کند، خیانت به خدا و رسول الله و مسجد اقصی مبارک و قدس و فلسطین می کند. معامله قرن قدس را از صاحبان قانونی آن سلب، مسلمانان را از سومین مسجد و اولین قبله و مقام اسراء و معراج پیامبر شان محروم می سازد، حقوق مهاجرین و بازگشت شانرا به وطن مانع می شود.

عقل در اثبات عقاید/

التوحید : توحید بنیان و جوهر مذهب معتزله است ، خلاصه و نتیجه توحید در فکر معتزله این است که در قیامت رؤیت خداوند مستحیل است و همچنان صفات غیر از ذات خود چیزی نیست ، و به اساس این فکر معتزله عقیده برین دارد که قرآن مخلوق است و اکثر معتزله صفت کلام را از خداوند نفی می کنند.

مراتب توحید عبارت است از :

- توحید ذاتی : مقصود آن است که خداوند شریک و همتایی ندارد.
- توحید صفاتی: یعنی صفات خداوند از نظر مفهوم متعددند ، ولی از حیث مصداق و واقعیت عینی کثرت و تعددی عین هم و عین یکدیگرند.
- توحید افعالی : یعنی همه آثار و افعالی که گستره آفرینش تحقق می یابد ، به حول و قوت الهی است.
- توحید در عبادت: بدین معنی که جز خدای یگانه کسی شایسته پرستش نیست.

از اقسام فوق آنچه مورد بیشتر تأکید معتزله قرار گرفته ، توحید صفاتی است که آنان هرگونه صفت زاید بر ذات را نفی می کنند.

عدل : مسعودی در کتاب معروف خود (مروج الذهب) در عقیده عدل معتزله می نویسد:

خداوند تعالی فساد را دوست ندارد ، افعال عباد را خلق نکرده و بندگان عمل میکنند به آنچه امر شده اند و از آنچه منع شده اند . به معنی دیگر به آزادی انسان در افعال معتقداند و بدین لحاظ اصل جبریه که می گفتند : بنده در افعال خود مختار نیست ، آنرا نفی کردند.

با اینکه معتزله به اصل که (انسان خالق افعال خود است) ، خداوند را از عجز تنزیه کردند .

اشاعره معتقد بودند چون خدا انسان را آفریده هر طور که با وی برخورد کند عدل است. اگر همه را به دورخ بفرستد گناهی نکرده و اگر همه را به بهشت بفرستد اشتباهی مرتکب نشده است. معتزله می گفتند ستم به خودی خود برای خداوند مناسب نیست و خدایی که حکیم است چنین کاری نمی کند و عدل همان مفهومی که برای انسان است برای خدا هم هست.

وعد و وعید: معتزله اعتقاد دارند که وعد و وعید نازلان است ، وعد خداوند به ثواب واقع میشود و وعیده خداوند به عقاب واقع

می گردد ، و وعد به قبول توبه نصوح نیز واقع می گردد ، باین معنی که اگر کسی عمل نیک انجام بدهد به خوبی جزا یا معامله می شود و اگر عمل زشت انجام بدهد به عذاب معامله می گردد و عفو از کبیره نیست بغیر از توبه و آراء مرجئه را در این مورد که می گفتند : لا یضر مع الایمان معصیه ، معصیت به ایمان ضرر ندارد نفی کردند .

از اعتقادات معتزله است که خدا در عمل به وعده و وعید هایش صادق است. وعد به معنای نوید پاداش و وعید به معنای تهدید به کیفر است. معتزله می گویند همان گونه که خداوند در نوید ها و پاداش ها به حکم : إن الله لا یخلف المیعاد ، خلاف وعده نمی کند ، بلکه محال است خلاف وعده نماید در باره کفر نیز تخلف نمی کند .

منزله بین المنزلین : قول شان که مسلمان گناه کار ، بین مؤمن و کافر موقعیت دارد .

به این معنی است که فرد مرتکب گناه کبیره نه کافر است و نه مؤمن بلکه فاسق و مستحق آتش جهنم است. کفر و ایمان بدین معنی که مرتکب گناه کبیره نه مؤمن است و نه کافر. آنان باین اصل باور خوارج و مرجئه را مردود می دانند ، زیرا خوارج بر این باورند که ارتکاب گناه کبیره مساوی با کفر است و مرجئه می گفتند: اگر انسان از نظر عقیده و ایمان که امری قلبی است مسلمان باشد ، چنانچه ایمان درست بود مانعی ندارد که انسان فاسد باشد . بدین ترتیب آنان می گفتند: حاکم هر چند گناه کند بر مقام خویش (حکومت) باقی است و اطاعتش واجب و نماز پشت سرا و صحیح است.

امر بالمعروف ونهی از منکر : امر بالمعروف و نهی از منکر اصل از اصول معتزله است ، نشر اسلام و دعوت گناه کار به هدایت و به همین اصل در مقابل زندقی ها در اول عصر عباسی ایستاده شدند.

معتزله وجوب امر به معروف و نهی از منکر را کفایی و مشروط به شرایط می دانستند و شدید ترین مرتبه آن (قتال) را از شعون حکومت و وظائف رهبری اسلامی می دانستند. در حالی که خوارج امر به معروف و نهی از منکر را مشروط به هیچ شرطی نمی دانستند ، اما معتزله بر این باورند که شناخت معروف و منکر اختصاص به شرع ندارد ، بلکه به عقل نیز قادر است پاره ای از معروف ها و منکرات را درک کند و ثانیاً

تأکید معتزله بر روی عقل آنچنان جدی بود که بر خلاف بسیاری از فقها که حدیث را مطلق می دانستند آنان اعتقاد داشتند که در تعارض حدیث با عقل، عقل مقدم است. اما اساسی ترین و در عین حال بحث انگیزترین موضوع گیری معتزله در بحث پیچیده مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن پیش آمد.

گرایش مذهبی: معتزله را نباید صرفاً یک مذهب مستقل در نظر گرفت. رهبران معتزله از آغاز فقهی حنفی داشتند. در قرن 5 بسیاری از معتزله به مذاهب شیعی (عمودتاً زیدیه) پیوستند و معتزله بصره نیز به اهل سنت پیوستند. ازین رو در تاریخ معتزله متأخر را با نام شیعی معتزلی و سنی معتزلی می شناسیم.

الأشاعره (اشاعره)

اشاعره پیروان ابو الحسن اشعری بودند. اشاعره اعتقاد داشتند که ایمان تصدیق به قلب و اقرار به لسان و عمل به ارکان آن از فروع ایمان است. اشعری در عقائد استدلال به مسلک نقل و عقل میکند.

اگر صاحب گناه کبیره بدون توبه بمیرد، حق تعالی او را شامل مغفرت می کند یا اینکه به شفاعت رسول اکرم می بخشد یا آنکه به مقدار جرمش او را عذاب می دهد، اما اگر با توبه بمیرد عفو او بر حق تعالی واجب نیست، چون خداوند موجب است و چیزی بر او واجب نمی شود.

ابو الحسن اشعری برخلاف قدمای اهل حدیث مانند امام احمد بن حنبل، بحث و استدلال و به کاربردن منطق را در اصول دین جایز شمرد و از قرآن و سنت بر مدعای خود دلیل آورد.

خلیفه عباسی المتوکل بعد از رسیدن به خلافت دشمنی را با معتزله پیش گرفت و فقهاء و علماء را از زندان رها کرد و ساحه را برای مبارزه علمی با معتزله باز گذاشت.

در ساحه فکری الاشاعره در قرن سوم دو شخصیت بزرگ ظهور کرد:

اول: ابو الحسن اشعری: در 260 هجری در بصره تولد یافت و در علم کلام با معتزله طرف گرفت.

مشروط به وجود امام نیست، بلکه وظیفه عموم مسلمانان است.

مخلوق بودن قرآن:

یکی از بحث بر انگیزترین موضوعاتی که در قرن اولیه اسلام در میان علما پیش آمد و اختلافات زیادی را سبب شد موضوع مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن بود. بسیاری از علما معتقد بودند که قرآن در زمان پیامبر خلق نشده بلکه ذات آن ازلی بوده و همواره وجود داشته است. اما معتزله که تأکید زیادی بر روی اصل توحید داشتند، چنین برداشت از ذات قرآن را مغایر با توحید می دانستند. زیرا از دید آنان، اعتقاد به اینکه قرآن حادث نشده و از قدیم بوده ایجاد می کرد که در این صورت قرآن جزئی از ذات پروردگار باشد که چنین امری از دید معتزله شرک بود و حد اقل مغایر به اصل توحید و ذات خداوند است.

خلق قرآن: معتزله قرآن را مخلوق می دانستند و نظر باین عقیده فقهاء علیه فکر معتزله قیام کردند. معتزله بعداً صفات معانی را از خداوند نفی کردند، صفات معانی یعنی قدرت، سمع و بصر و کلام.

طریقه استدلال شان از عقائد:

در استدلال به اثبات عقائد به قضایای عقلی توصل داشتند مگر آنچه به عقل شناخته نشود. با احترام به عقل، احترام به شرع نیز داشتند، هر مسأله از مسایل را به عقل معامله می کردند و اگر عقل می پذیرفت، قبول و الاراد می کردند.

نوت: جهت فهم بیشتر از موضوع عقل، باید او اخر عصر اموی و عصر عباسی را مطالعه کرد تا تأثیر فلسفه هندی و یونانی را که از راه فارسی ها به فرهنگ و ثقافت اسلامی رسید دانست.

معتزله در عهد اموی ها: اموی ها با معتزله طرف نبودند به دلیل اینکه معتزله مشغول تدریس و علم بودند. اما در عصر عباسی ها که فکر الحادی و زندقیه بیشتر شد و برای مبارزه با این افکار عباسی ها با معتزله همکاری کردند، مامون عباسی خود را یکی از معتزله میدانست.

معتزله از جریان های اصلی کلامی در میان اهل سنت است، ایشان بر خلاف اهل حدیث، عقل و خرد را به تنهایی برای پیروی از اسلام راستین کافی می دانستند. بعد ها اشاعره برخاستند و جانشین اهل حدیث شدند. اشاعره را می توان جمع میان معتزله و اهل حدیث دانست ولی آنها نیز عقائد معتزله را مردود می دانستند.

تفاوت فکری بین اشاعره و معتزله :

- (1) نسبت به قرآن کریم : معتزله معتقد باین اند که قرآن مخلوق است، اشعری راه وسط را پیش گرفت و گفت: قرآن کلام الله و غیر مغیر و مخلوق نیست.
- (2) مرتکب کبیره : معتزله باین عقیده اند که صاحب کبیره با ایمان و طاعت اش اگر توبه از کبیره نکند از آتش خارج نمی شود. مسلک الاشعری ، مومن ، فاسق در مشئیت خالق است اگر بخواهد عفو میکند و داخل جنت می شود و اگر بخواد عقاب کند به فسق اش و بعداً داخل جنت می شود.
- (3) شفاعت ، امامیه باین باور اند که رسول کریم و مثل او امامان شفاعت می کنند ، معتزله باین عقیده اند که شفاعت از هیچ بنده نیست ، اشعری می گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم شفاعت اش مقبول است در حق مؤمنین که مستحق عقوبت باشند و به اذن خداوند شفاعت می کند مثل دیگر انبیاء.
- (4) اشاعره در ابتدا در مقابل عقل گرایی افراطی معتزلی و تأویل، توجه خود را به ظواهر قرآن و احادیث معطوف و با انکار نقش عقل و در ضدیت با آن ، مواضع سختی را اتخاذ کردند و انتقادهای زیادی علیه جریان عقل و عقل گرایی به راه انداختند . این حرکت دقیقاً بر خلاف معتزله بود که محوریت را به عقل داده بودند.
- (5) اشاعره که از عقل گرایی و تأویل پرهیز داشتند ، در عمل و نظر عقل گرا بودند و این عقل گرایی در آثار پیروان اشعری مشاهده میشود. آنها در میان دو روش متعارض عقل گرایی اعتزال و ظاهر گرایی اهل حدیث ، روشنی عقل - نقلی برگزیدند و اعتدال روش اشاعره است.
- (6) اشعری و به ویژه پیروانش تلاش کردند از ظاهر گرایی محض فاصله بگیرند و تضاد موجود میان عقل گرایی و ظاهر گرایی را تا حدودی از بین ببرند و بیشترین سعی آنان این بود که اهل حدیث را وادار کنند تا به استفاده از عقل در مباحث اعتقادی روی آورند. اما تحولاتی که در منظومه فکر اشاعره پس از ابو الحسن اشعری (یعنی دوران باقلانی که از صاحب نظران نسل دوم مکتب اشعری است و جوینی) رخ داد ، خشم اهل سنت را در پی داشت ، موجب نزدیکی اشاعره به اندیشه عقل گرایی شد و این با نظام فکری اشعری در بغداد و تدریس جوینی در نظامیه نیشابور تقویت شد .
- (7) اگر برخی بر این باورند که اشاعره با عقل گرایی موافق نیست و به اهل حدیث گرایش دارد ، منشأ آن سخنان ابو الحسن اشعری

در مسجد بصره است و این قضاوت درستی در حق او و پیروانش نیست، زیرا آن سخنان آغازین روز جدایی او از اعتزال بود به این به مفهوم پیوستن وی به اردوگاه فکر اهل حدیث نیست ، بلکه نخستین گام او در اقدام به ساخت منظومه فکری اعتدال میان دو جریان متناقض افراط و تفریط است. اگر چه در این مسیر موفقیت چندانی هم کسب نکرد.

مذهب اشعری پیروان بیشمار در عراق و سائر کشور های اسلامی دارد .

امام الماتریدی : محمد بن محمد بن محمود معروف بابی منصور الماتریدی در محله سمرقند تولد و در سال 333 وفات کرد. اکثر علماء مذهب حنفی باین باور اند که تمام کار های ماتریدی موافق به نظریات ابو حنیفه رضی الله عنه در عقائد است. افغانها در عقائد از مذهب ماتریدی پیروی می کنند .

(مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری توافقی و تفاوت ؛ فضل غنی مجددی)

امام محمد غزالی اگر چه اشعری است و تا حدود زیادی اصول اشاعره را تحکیم و تثبیت نموده است ولی مبانی دیگری به آن ها داد.

عقل : عقل قوی ترین ابزار تشخیص در اختیار بشر و برجسته ترین تمایز بین انسان و دیگر موجودات است که در پائین ترین درجه خود به طور متعارف همگان (چه اهل ایمان و چه غیر مؤمن) از آن استفاده میکنند.

اشاعره از عقل گرایی و تأویل پرهیز داشتند ، در عمل و نظر عقل گرا بودند و این عقل گرایی در آثار پیروان اشعری مشاهده می شود. آنها در میان دو روش متعارض عقل گرایی معتزلیان و ظاهر گرایی اهل حدیث ، روش عقلی - نقلی برگزیدند .

برای معلومات بیشتر از تعریف عقل و مقام عقل در ادبیات اسلامی مراجعه کنید به : فضل غنی مجددی ، روش فکر معاصر اسلامی ، جلد اول ، فصل عقل و تفکر /

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
Islaminfo.one